



آستان قدس رضوی

معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی



قیمه و تدوین: اداره‌ی تولیدات فرهنگی

گرافیک و صفحه آرایی: امین کوثری

طرح جلد: اشکان پردل

ناشر: انتشارات آستان قدس رضوی

توبت چاپ: اول ۱۳۹۴

شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه

چاپ: مجتمع چاپ و نشر روزنامه قدس

نشانی: مشهد، حرم مطهر رضوی، صحن جامع رضوی

اداره‌ی تولیدات فرهنگی

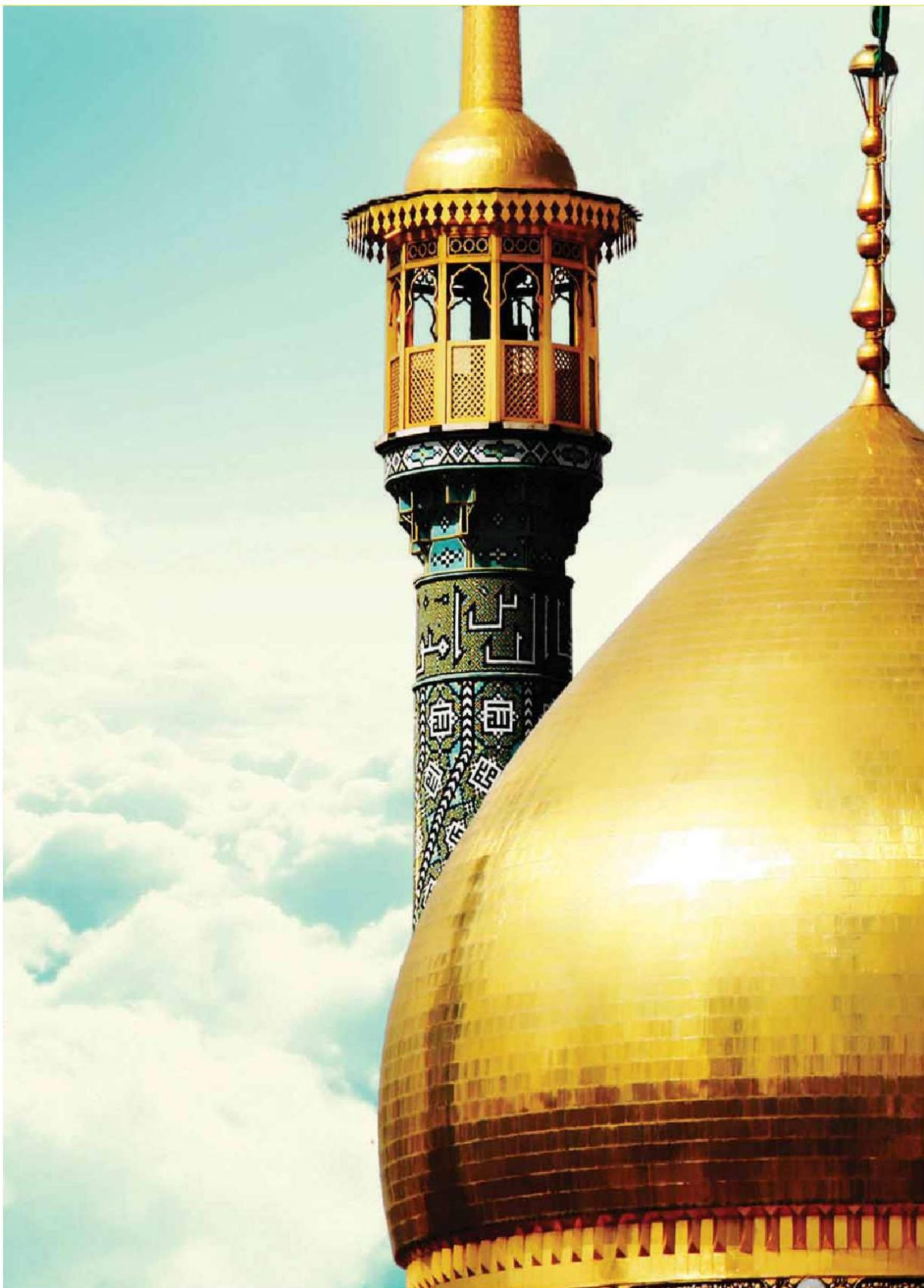
تلفن: ۰۵۱-۳۲۰۰۲۵۶۷

صندوق پستی: ۹۱۷۳۵-۳۵۱

حق چاپ محفوظ است



- | | |
|----|-----------------------------|
| ۵ | مقدمه |
| ۶ | ریحانه حرم اهل سنت |
| ۷ | ولادت بانوی آفتتاب |
| ۸ | جواب سوالات |
| ۹ | معصومه ظلیلہ |
| ۱۰ | درسایه تربیت رضوی |
| ۱۲ | یهانه بهشت |
| ۱۳ | نشان بی نشان |
| ۱۴ | بانوی شفاعت |
| ۱۷ | خواهر آفتتاب در آینه روایات |
| | |
| ۲۱ | سفرارش پیامبر به ریحانه ها |
| ۲۴ | حجاب حق الله است! |
| ۲۶ | ارتباط مجازی |
| ۳۰ | بدحجاب بی دین نیست ولی... |
| ۳۲ | اسلام و مددگرایی |
| ۳۴ | تصویر منفی |
| ۳۵ | می خواهم فرشته باشم |
| ۳۶ | معیارهای انتخاب دوست |
| ۴۱ | آهنگ نجابت |
| ۴۳ | مسابقه فرهنگی «بانوی کرامت» |



مقدمه



طلیعه ماه ذی القعده مزین به قدم بارگفت چهارمین بانوی برتر اسلام حضرت فاطمه معصومه علیها السلام دخت گرامی امام هفتم شیعیان است. از برکات این بانوی شریفه است که قم، مهد عالمان و فرهیختگان و بزرگان دین شده است. علم و فضیلت رتبت او که تربیت شده معصوم است بسی فراتر از افراد عادی خارج از دایره عصمت است، آنگونه که امام رئوف، حضرت رضا علیهم السلام به خواهر مطهره خودشان لقب معصومه عنایت فرموده‌اند، که این خود حاکی از مقام والای این بانوی عظیم الشأن است.

حضرت فاطمه معصومه علیها السلام دختری در اوج قله تعالی انسانی است، تانشان دهدزن بودن چه گوهر و فضیلت گرانبهایی و مایه فخر و مباهات و افتخار است. وچه نیکو زادروز این بانوی آسمانی به عنوان روز دختر نام‌گذاری شده تا اسوه حسنی‌ای باشد برای دختران و بانوان امت اسلام.

به بهانه این فرخنده زادروز و روز دختر و شروع دهه پربرگت کرامت شمه‌ای از فضایل و کرامات این بانوی جلیل القدر را تقدیم دختران و بانوان سرزمین آفتاب می‌کنیم تا چراغ راهی باشد فراروی زندگی صاحبان مهر و عاطفة.

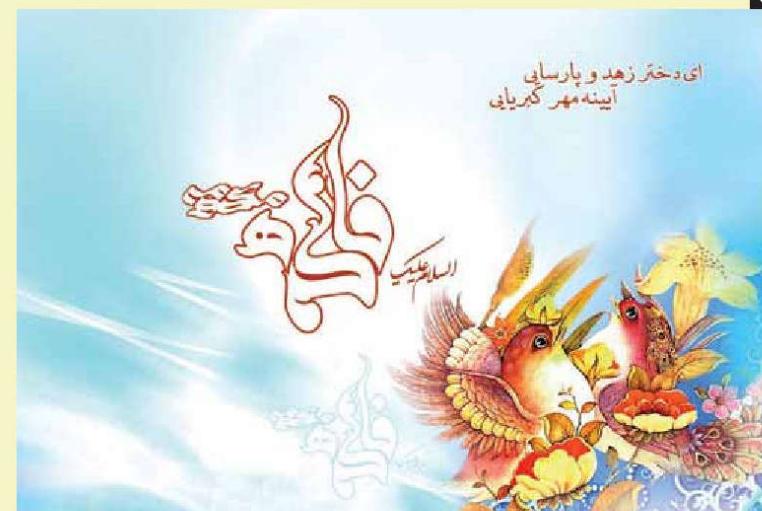


بازگرایی

۶

ریحانه حرم اهل بیت

هنوز موسی بن جعفر علیهم السلام متولد نشده بود، که پدرش از فاطمه می گفت. دختری که قرار است بانوی قم شود. امام صادق علیهم السلام هیچ وقت فاطمه اش را ندید، اما درباره اش گفت: برای خدا حرمی است و آن مکه است و برای رسول خدا علیهم السلام حرمی است و آن مدینه است و برای امیر المؤمنین علیهم السلام حرمی است و آن کوفه است و برای ما اهل بیت هم حرمی است که قم است. به زودی زنی از فرزندان من در آن دفن می شود که نامش فاطمه است و زیارت شش برابر است با بهشت.



ولادت بانوی آفتاب

شهر مدینه چشم به راه تولد کودکی از خاندان پاک پیامبر ﷺ بود. خانه‌ی امام کاظم علیه السلام حال و هوای دیگری داشت. نجمه همسر آن بزرگوار به امید تولد فرزند روز را به شب و شب رابه روز می‌رساند.

شور و شادی در خانه‌ی امام موسی بن جعفر علیه السلام موج می‌زد. سرانجام انتظارها سرآمد و در اول ذی القعده سال ۱۷۳ هـ ق خداوند دختری به امام هفتم حضرت امام کاظم علیه السلام بخشید و نوزادی نورانی و خوش‌سیما در خانه‌ی باصفای امام، چشم به جهان گشود. دل همه‌ی اهل خانه از تولد فرزند جدید غرق شادی شد. پس از امام، شاید کسی به اندازه‌ی نجمه همسر حضرت خوشحال نبود.

زیرا پس از ۲۵ سال این دومین فرزندی بود که دست لطف پروردگار به نجمه عنایت می‌فرمود. امام کاظم علیه السلام به خاطر عشق و علاقه‌ی خاصی که به حضرت زهرا علیه السلام داشت، نام دختر تازه به دنیا آمده‌ی خود را «فاطمه» نهاد. پاک سرشنستی و پرهیزگاری او به اندازه‌ای بود که پس از مدتی «معصومه» نامیده شد. چون مانند پدر گرامی اش از گناه و بدی دور بود.

جواب سوالات

فاطمه علیها کوچک بود. ده سال نداشت هنوز. پدر سفر بود. رفته بود حج. همان زمان گروهی از شیعیان شهرهای دور برای دیدن امام کاظم علیه السلام آمده بودند. سوالاتی هم داشتند. وقتی فهمیدند امام علیه السلام مدینه نیست، خیلی ناراحت شدند. اما دلشان نیامده همان طور بروند. دست خالی. سوالاتشان را در برگه‌ای نوشته و به فاطمه علیها دادند. که اگر امام علیه السلام تا چند روز آینده بازگشته باشد پاسخ دهند.

گفتند قبل از رفتن برای گرفتنش می‌آیند. کورسی امیدی داشتند هنوز. دوباره آمدند و امام علیه السلام هنوز نیامده بود. سوالاتشان را گرفتند که بروند. اما کاغذ را که باز کردند، جواب همه سوالات نوشته شده بود. کامل، درست، مستدل. کار فاطمه علیها بود.

خدا هوای دلشان را داشت. توی راه برگشت امامشان را دیدند. بعد درباره جواب سوالات گفتند. امام علیه السلام برگه را گرفت، پاسخ‌ها را خواند، بعد لبخند زد و سه بار گفت: فداها ابوها..؛ پدرش به فدایش.

تاریخ فقط یکبار دیگر این جمله را شنیده بود. از زبان رسول خدا علیه السلام برای فاطمه‌اش. حالا موسی بن جعفر علیه السلام می‌گفت برای فاطمه‌اش. و دیگر این جمله در حق کسی تکرار نشد.



معصومه

نامی که پدر برایش گذاشت فاطمه بود. لقب معصومه را بعد از برادرش به او داد. علی بن موسی الرضا علیه السلام وقتی گفت: «من زار المعصومة بقم کمن زارنی» ... هر کس معصومه را در قم زیارت کند، انگار مرازیارت کرده است... لقبش را معصومه گذاشت تا از عصمتش بگوید. مقام والایی که نزد خدا دارد.





۱۰

درسایه تربیت رضوی

فاطمه معصومه علیها السلام تنها به عنوان خواهری که برادرش، علی بن موسی الرضا علیهم السلام را دوست بدارد و بخاطر برادری و خواهری، دل در گرو محبت او گذاشته باشد نیست. گرچه «فاطمه» علیها السلام و «رضا» علیهم السلام هر دو از یک پدر و مادرند و از یک پستان پاک شیر خورده و در یک دامن لایق و عفیف، بزرگ شده و با نوازش دست‌ها و نگاه‌های یک پدر و مادر رشد کرده‌اند، لیکن فاطمه معصومه علیها السلام، تربیت شده برادرش حضرت «رضا علیهم السلام» است.

دو دمان او، خانواده یک زندانی راه حق و اسیر در دست ستمگران است. پدرش حضرت موسی بن جعفر علیهم السلام مبغوض دربار هارون الرشید گشته و به امر او بازداشت و زندانی شده است. این حبس و زندان هم سال‌ها طول کشیده و تاشهادت آن امام ادامه یافته است. خانواده امام، به درد هجران پدر مبتلاست، ولی چون اسارت پدر به خاطر خدا و دین و حریت است، با همه سختیهایش، برای فرزندان، قابل تحمل است، چون خدا راضی است.

در این همه سال که موسی بن جعفر علیهم السلام در زندان‌های مختلف به سر می‌برد، امام رضا علیهم السلام عهده‌دار تربیت و متکفل

زندگی خواهش حضرت مصومه علیها السلام و دیگر خواهان است. در نبود پدر، رسالت رهبری و مسؤولیت رسیدگی به تربیت فرزندان و حل مشکلات خانواده امام محبوس، بردوش اوست. حتی رسیدگی به خاندان‌های علوی، که امام کاظم علیه السلام سرپرستی یا سرکشی و رسیدگی به آنان را عهده دار بوده، در این دوران سخت و غم‌آلود، بر عهده حضرت رضاست.

مورخین، تعداد خانواده‌هایی را که از طریق امام هفتم موسی بن جعفر علیه السلام اداره می‌شدند و تحت تکفل ایشان بودند تا پانصد خانواده ذکر کرده‌اند. تأثیر تربیتی امام رضا علیه السلام را بر خواهر مقصومش فاطمه علیها السلام، نمی‌توان نادیده گرفت.

بی‌جهت نیست که این بانوی جوان، در دانش و کمال، در حدیث و فضل، در ایمان و ثبات قدم، در اراده و فداکاری و هجرت، پایگاه و جایگاه بلندی یافته و به مرز «عصمت» رسیده است و دلهای عاشقان عترت را مجدوب خود ساخته است و عالمانی فرزانه و فقیهانی بلند مرتبه، به آستان بوسی او افتخار کرده و می‌کنند و سلام به او را هر صبح و شام، توفیقی الهی برای خود می‌شمنند.

بهانه بهشت

آنقدر از تلاقی زیارت ش با بهشت گفته اند که داخل حرم ناخوداگاه
دنبال فرشته می گردد. همه جانوشته «من زارها فله الجنه»...
هر کس زیارت ش کند، پاداشش بهشت است.
حضرت معصومه علیها السلام خیلی بزرگ است. خیلی عزیز خداست که
امام صادق علیه السلام درباره اش گفته: با شفاعت او همه شیعیان ما وارد
بهشت می شوند!



نشان بی نشان

هفتاد سال اولین زائر حضرت بود. صبح‌ها، قبل اذان، پشت در حرم می‌ایستاد تا در را باز کنند. می‌گفتند کبوتر حرم حضرت معصومه علیه السلام است. به نصیحت پدرش برای زیارت حضرت معصومه علیه السلام به قم آمده بود و تا آخر عمر همان جاماندگار شد. پدر آیت‌الله مرعشی از زاهدان معروف نجف بود. به هرسیله‌ای دنبال قبر حضرت زهرا علیه السلام می‌گشت. ختم مجربی گرفت و چهل شب در حرم امیر المؤمنین علیه السلام بیتوته کرد. شب چهلم به محضر یکی از ائمه می‌رسد. امام در جواب خواسته‌اش می‌فرمایند: «علیک بکریمة اهل البیت» خداوند قبر حضرت معصومه علیه السلام را تجلیگ‌گاه قبر فاطمه علیه السلام قرار داده است و جلال و جبروت قبر فاطمه علیه السلام را به قبر فاطمه معصومه علیه السلام بخشیده. به زیارت فاطمه معصومه علیه السلام در قم برو.



بانوی شفاعت

ایام فاطمیه بود عالم بزرگ، محدث قمی بالای منبر رفته بود داشت از عظمت مقام حضرت معصومه علیها السلام گفت که به روایش رسید آن شبی که مرحوم میرزا قمی را در خواب دیده بود پرسیده بود: آیا شفاعت اهل قم به دست حضرت معصومه است؟ میرزا چهره اش را در هم کشیده بود که: شفاعت اهل قم که با المثال من است. حضرت معصومه علیها السلام را شفاعت می کند!



۱۴

شفای طلبه جوان نخجوانی

حضرت آیت الله مکارم شیرازی ذلت‌الله‌می فرماید: بعد از فروپاشی شوروی سابق و آزادشدن جمهوری های مسلمان نشین، مردم شیعه نخجوان تقاضا کردند که عده‌ای از جوانان خود را به حوزه علمیه قم بفرستند تا برای تبلیغ در آن منطقه تربیت شوند.

مقدمات کار فراهم شد و استقبال عجیبی از این امر به عمل آمد. از بین (سیصد نفر داوطلب) پنجاه نفری که معدل بالایی داشتند و جامع ترین آنها بودند برای اعزام به حوزه علمیه قم انتخاب شدند. در این میان جوانی که با داشتن معدل بالا، به سبب اشکالی که در یکی از چشمانش وجود داشت انتخاب

نشده بود با اصرار فراوان پدر ایشان، مسؤول مربوطه ناچار از قبول ایشان شد، ولی هنگام فیلمبرداری از مراسم بدرقه از این کاروان علمی، مسؤول فیلمبرداری دوربین را روی چشم معیوب این جوان متمرکز کرده و تصویر بر جسته‌ای از آن را به نمایش گذاشت. جوان با دیدن این منظره بسیار ناراحت و دل شکسته می‌شود.

وقتی کاروان به قم رسید و در مدرسه مربوطه ساکن شدند این جوان به حرم مشرف شده و بالخلاص تمام متولّ به حضرت می‌شود، و در همان حال خوابش می‌برد. در خواب عوالمی را مشاهده کرده و بعد از بیداری می‌بیند چشمش سالم و بی‌عیب است.

او بعد از شفا یافتن به مدرسه برمی‌گردد، دوستان او با مشاهده این کرامت و امر معجزه‌آسا، دسته‌جمعی به حرم حضرت معصومه علیها السلام مشرف شده و ساعتها مشغول دعا و توسل می‌شوند. وقتی این خبر به نخجوان می‌رسد آنها مصرانه خواهان این می‌شوند که این جوان بعد از شفا یافتن و سلامتی چشمش به آنجا برگردد که باعث بیداری و هدایت دیگران و استحکام عقیده مسلمین گردد.

منبع: سایت شهید آوینی



۱۶

اعمال ماه ذی القعده

ماه ذی القعده، اوّلین ماه از ماه‌های حرام می‌باشد. سید بن طاووس روایتی نقل کرده که ذی القعده ماه اجابت دعا است به هنگام شدت و گرفتاری‌ها و از رسول خدا در روز یکشنبه این ماه نمازی بافضیلت بسیار روایت کرده که هر که آن را بجا آورد، توبه‌اش مقبول و گناهش آمرزیده خواهد شد و دشمنانش در روز قیامت، از اوراضی می‌شوندو همچنین، با ایمان می‌میرد و دینش گرفته نمی‌شود. قبرش گشاده و نورانی خواهد شد و والدینش از اوراضی گردند، مغفرت شامل حال والدین او و ذریه او می‌شود و توسعه رزق پیدامی کند و ...

طريقه‌ی بجا آوردن آن اينگونه می‌باشد که: در روز یکشنبه غسل کند و وضو بگيرد و چهار ركعت نماز گذارد، در هر ركعت يك مرتبه حمد و سه مرتبه (قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ) و هر كدام از سوره‌های فلق و ناس را يك بار بخواند. پس از اتمام نماز هفتاد مرتبه استغفار كند و ختم کند استغفار را به: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» پس بگويد: «يَا عَزِيزُّ يَا غَفَّارُّ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي وَذُنُوبَ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ». همچنین روایت شده است که هر کس در يكى از ماه‌های حرام، سه روز متوالی که پنجشنبه و جمعه و شنبه باشد را روزه بدارد ثواب نهصد سال عبادت برای اونوشته خواهد.

مفآتیح الجنان

خواهر آفتاد در آینه روایات

شناخت او کاری بس دشوار است. در وصف او چه می‌توان گفت، آنگاه که در زیارت شن که از ناحیه امام رضا علیهم السلام وارد است میگوئیم:

فَانْ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ شَانًاً مِنَ الشَّانِ^۱

ترانزد خدا جایگاهی بس بلند و رفیع است.

و چه می‌توان در مدح او نوشت؟ آنجا که در همین زیارت او را صاحب شفاعت می‌خوانیم:

يَا فَاطِمَةُ أَشْفَعِي لَنَافِي الْجَنَّةِ

او صاحب شفاعت بزرگ است. شفاعتی که تمام شیعیان را شامل می‌شود: ... و تدخل بشفاعتها شیعیتی الجنہ با جمعهم^۲

تمام شیعیانم با شفاعت او داخل بهشت می‌شوند.

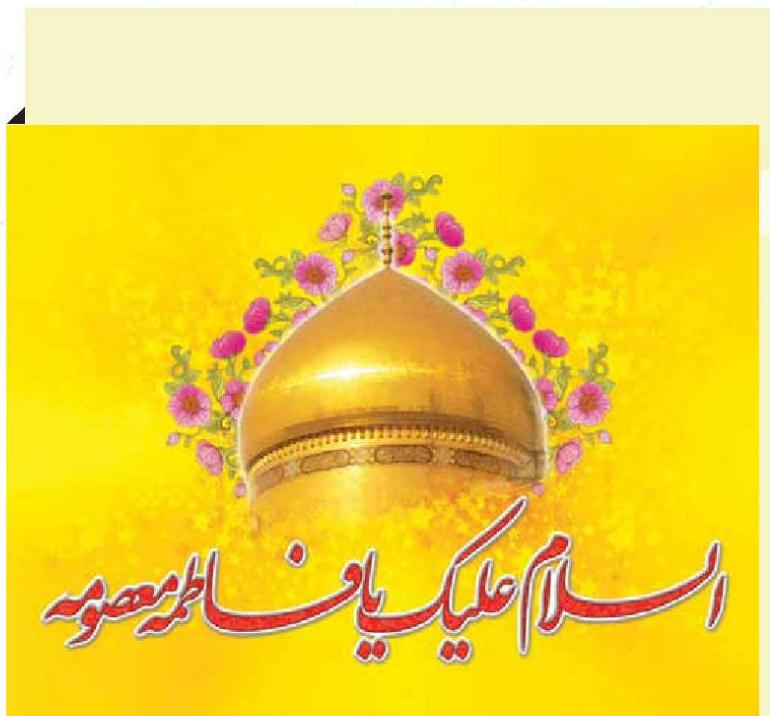
او کیست که ثمره زیارت شن بهشت است؟ وعده‌ای که از زبان چهار امام (امام صادق علیه السلام، امام کاظم علیه السلام، امام رضا علیه السلام و امام جواد علیه السلام) به زائرانش داده شده است.^۳

وشگفتانه در برخی از این روایات، زیارت آن بنوی آسمانی، مشروط

۱. بخاری/ج ۹۹/ حدیث ۲۶۶

۲. بخاری/ج ۵۷/ حدیث ۲۲۸

۳. عيون اخبار الرضا/شیخ صدوق/ج ۱/ص ۲۹۹

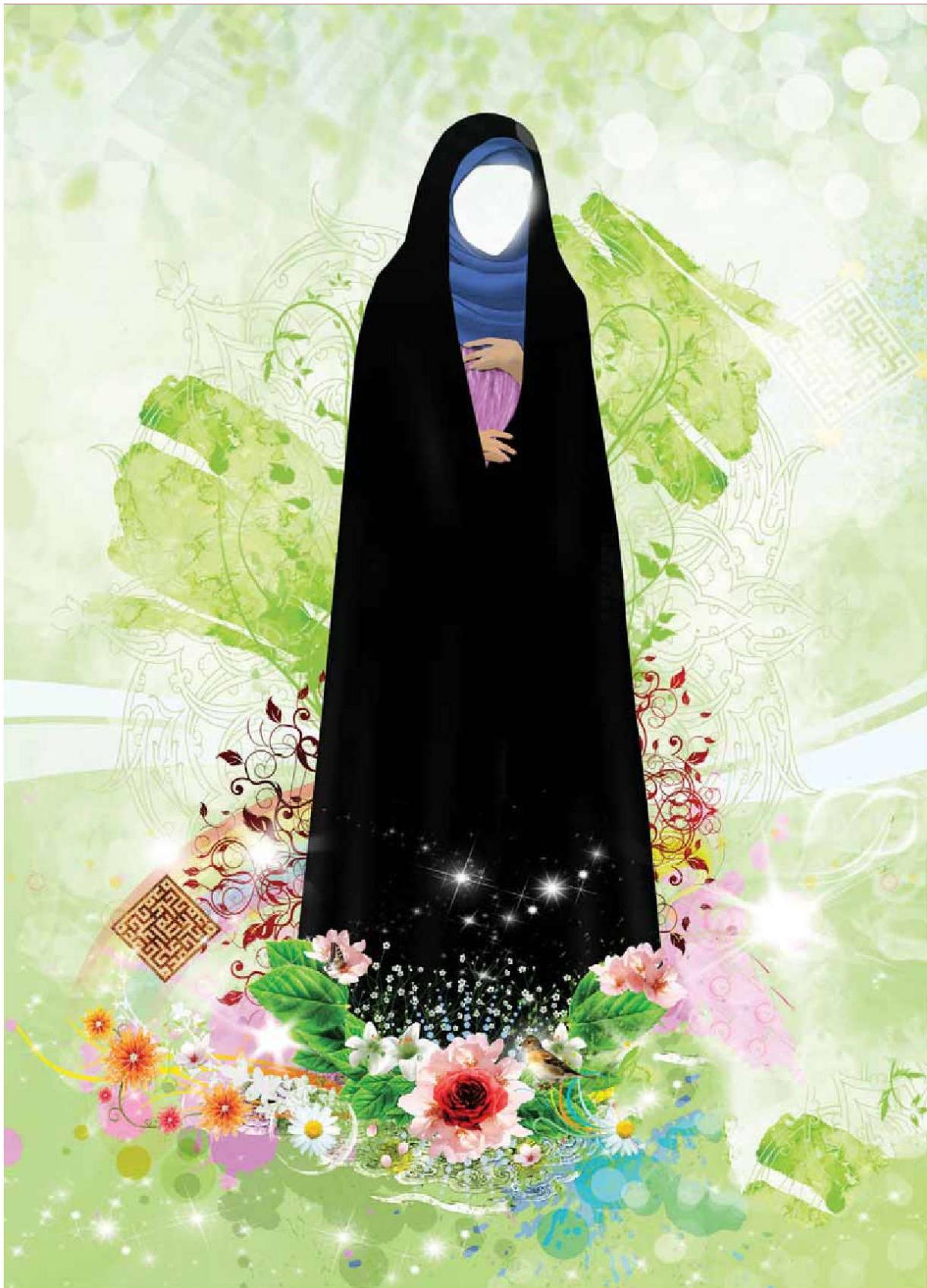


به قیدی شده است که درباره معصومان آمده است. زیارت عارفانه (عارف‌باً‌حقّه‌ا) زیارتی که همراه باشناخت حق فاطمه معصومه علیها السلام باشد! به راستی حق آن بزرگ بانو چیست؟ که شرط کمال زیارت اوست؟ آیا این به آن معناییست که عظمت فاطمه معصومه علیها السلام فقط به دختر و خواهر امام بودن نیست. او دارای مقامات علمی و معرفتی و مراتبی از عصمت است که مخصوص خود است. درست مانند جده اش فاطمه علیها السلام که عظمتش فقط به خاطر دختری پیامبر ﷺ و همسری علی علیها السلام و مادری حسین علیهم السلام نیست. عظمت فاطمه علیها السلام به خاطر عظمت خود است. اینک این دختر،

با همین نام، آئینه تمام‌نمای مادر است؛ فاطمه دوم است. این است که شیعه باید بداند آنگاه که به زیارت او می‌ایستد و لا اله الا الله و سبحان الله می‌گوید، هم اور ارجو اهل بیت و ذریه پیامبر باید بداند که محبت به آنها واجب و لازم است. هم معتقد باشد شرط کمال ایمانش محبت به این بزرگ است. او را معصومه، عالمه و زکیه بداند.^۱ او را شفیعه روز جزا بداند که همه شیعیان را شفاعت می‌کند. یقین داشته باشد حیات و ممات او فرقی ندارد و او زنده و ناظر اعمال ماست. باور داشته باشد، او مراتب بالایی از عصمت و طهارت را دارد که حتی یک مکروه از او سرنزد است. او یکی از اولیاء والامقام الہی است که در مقام قرب مخصوص حضرت حق جای دارد. و باور داشته باشد که او پس از فاطمه زهراء^{علیہا السلام} و زینب کبری^{علیہا السلام}، بانوی سوم عالم اسلام است. او را آئینه جمال و کمال حضرت زهراء^{علیہا السلام} و تجلی آن حضرت بداند. او در میان تمام امامزادگان، مانند نگینی است که می‌درخشد. با او «قم»، «قم» شد. و جایگاه بی‌نظیر خود را در آخرالزمان پیدا کرد. و هرچه گوییم و گویی در وصف آن فاطمه ثانی کم است و قطره‌ای در مقابل دریا... حالا بیا و در کنار و جوار برادرش با این نگاه و با این معرفت بگو:

السلام عليك يا فاطمة المعصومة

۱. در زیارت غیر معروفه آن حضرت آمده است: السلام عليك ایتها الطاهره الحمدیه کبیره الرشیده التقیه الرضیه المرضیه (رک. تجلی کوثر- تحقیق در زیارات حضرت معصومه/ص ۲۵۰)



سفرارش پیامبر به ریحانه‌ها

بانوک امانت

۲۱

وقتی باور غالب جامعه، «زن» را مایه عار می‌دانست و از «دختر» نفرت داشت و حتی آن رازنده به گور می‌ساخت؛ در چنین محیطی، «اسلام» جایگاه انسانی زن را الحیاء کرده و اورا ریحانه؛ یعنی شاخه گلی ظریف می‌نامد. یکی از ارمغان‌های زیبایی پیامبر، شخصیت دادن به دختر و زن می‌باشد. بدان حد که پیامبر ﷺ می‌فرمود:

■ بهترین فرزندان شما، دخترانتان می‌باشند.

■ از خوش قدمی زن، این است که نخستین فرزندش دختر باشد.

و چون به نبی خاتم بشارت دختر می‌دادند، می‌فرمود:

گلی است که خدا، روزیش می‌دهد و تامین او با خداست.

بر خود بیالید و از آن دسته دخترانی باشید که پیامبر درباره‌ی ایشان

فرمود: چه خوب فرزندانی اند دختران محجوبا!

از فرصتها سودجویید

محمد مصطفیٰ ﷺ فرمود:

دنیا ساعتی است. زندگی کوتاه‌تر از آن است که دست کم گرفته شود.

لحظات زندگی را جدی بگیرید و فرصت جوانی را در باید؛ «جوانی»

یک نسیم رحمت است. آن گونه که پیامبر ﷺ می‌فرمود: در ایام

زندگی تان نسیم‌های رحمتی می‌ورزد مراقب باشید خود را در معرض

آن قرار دهید.»



حیا را پاس دارید.

«حیا» سرچشمۀ همه زیبایی‌هاست و در فقدان حیا، هیچ کار زیبایی انجام نمی‌شود و هیچ کار زشتی ترک نمی‌شود؛ حیا همان دگرگونی حال و انکسار و دوری گزینی از کار زشت است؛ به خصوص آنکه انسان احساس کند که ناظری اورامی بیند و آگاهی و نظرات خداوند، عامل برانگیختن حیا است. رسول خدا صلوات الله علیه و آله و سلم فرمود: «شرم کنید امروز از اینکه خداوندار تمام امور شما، مطلع است.» بزرگترین سرمایه دختر و زن مسلمان «حیا» است که ثمره آن، مهار شهوت و تضمین عفت او خواهد بود.

پوشش مناسب را انتخاب کنید.

پیامبر اسلام صلوات الله علیه و آله و سلم بر پوشش زن در مقابل نامحرم و دوری از جلوه‌گری و خودنمایی اصرار می‌ورزید و قرآن، همپای توصیه به مردان در دوری از چشم‌چرانی و رعایت پوشش بدن از نامحرم، به زنان نیز توصیه می‌کند که دیدگان خود را فرو خوابانند و عفت پیشه کنند. به دو آیه ذیل دقت کنید:

۱. «ای پیامبر! به همسران و دختران و زنان مومنان بگو: پوشش های بلند (جلباب) خود را بر خوبیش فرو افکنند».

۲. «به زنان مؤمن بگو: دیدگان خود را فرو خوابانند و عفت پیشه ساخته، دامن خود را زیگانگان بپوشانند و زیور خوبیش را جز برای شوهران و سایر محارم، آشکار نکنند مگر آنچه پیدا است، و روسری‌های (خُمُر) خوبیش را به گربیان‌ها اندازند تا سرو گردن و

سینه و گوش‌ها پوشیده باشد، و پاها یشان را به زمین نکوبند تا آنچه از زبنت پنهان می‌کنند، معلوم شود».

همواره دانش بجویید

هیچ وقت از یادگیری و دانش آموزی خسته نشوید و به فکر فارغ‌التحصیلی نیفتد. این توصیه پیامبر ﷺ را همواره به یادداشته باشید که می‌فرمود:

«چهار چیز است که هر باهوش و خردمندی باید به آن پایبند باشد؛ شنیدن دانش، حفظ کردن، نشردادن و عمل به دانش.»

پیامبر ﷺ می‌فرمود:

«زنان انصار، خوب زنای هستند! شرم، مانع فقاht آنان در دین نمی‌شود.»

بهترین مطالبی که شایسته است دختران جوان یاد بگیرند، چیزهایی است که در بزرگسالی مورد نیازشان باشدو بتوانند در زندگی اجتماعی از آموخته‌های دوران جوانی خود، استفاده نمایند. قدردان والدین خود باشید.

در خوبی کردن، کرنش و فروتنی به پدر و مادر خود، کوتاهی نکنید؛ خوشابه حال کسی که پدر و مادرش رانیکی کند!

شخصی درباره دوستداشتنی ترین کار از پیامبر ﷺ سؤال کرد و آن حضرت نخست به «گزاردن نماز اول وقت» اشاره فرمود و آنگاه از «تیکویی به پدر و مادر» یاد کرد.

منبع: فصلنامه کوثر

حجاب حق الله است!

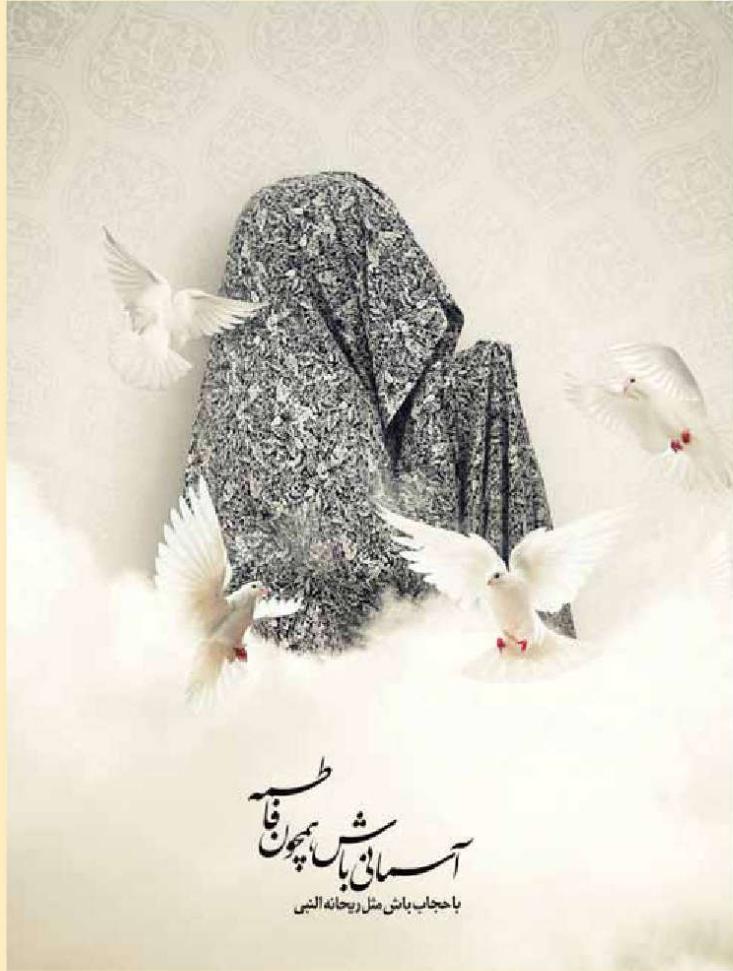
شنیده‌اید بعضی‌ها می‌گویند حجاب برای زن محدودیت می‌آورد؟ یا اینکه می‌گویند این محیط خانواده و همسر است که یک زن را قادر به داشتن حجاب می‌کند؟

مسئله حجاب در میان زنان و دختران مسلمان چیزی نیست که به دلیل خواست همسرو یا خانواده برای زنان و دختران به وجود آمده باشد. مثلاً یک مرد حق ندارد بگوید من راضی هستم پس همسرم می‌تواند حجاب خود را بردارد، یا اینکه اعضای خانواده رضایت بدھند تا دخترشان بدون پوشش مناسب در جامعه ظاهر شود.

حتماً در فیلم‌های غربی و یا اخبار مربوط به آنها دیده و یا شنیده‌اید که مثلاً زنی به همسر خود خیانت می‌کند و در دادگاه بارضایت اعضای خانواده یا همسرش پرونده اشتباه او بسته می‌شود و خطایش نادیده گرفته می‌شود. اما قضیه در اسلام به شکل دیگری است.

حجاب زن در دین اسلام یک مسئله و حق الهی بوده و کسی نمی‌تواند آن را ببخشد یا نادیده بگیرد. قرآن از حرمت و حیثیت زنان به عنوان «حق الله» یاد می‌کند به همین دلیل است که حیثیت یک زن حریم خداوند محسوب می‌شود. در حقیقت





زنان، امین و مورد اعتماد خداوند در روی زمین هستند و خداوند آنها را خلق کرده تا مهرو عاطفه را با پاکدامنی در جامعه گسترش دهند.

كتاب زن در آيینه جلال و جمال، آيت الله جوادی آملی

ارتباط مجازی

تغییرات به وجود آمده در شیوه‌های همسریابی جوانان از اموری است که بسیاری از خانواده‌هارا بامشکلات زیادی روبه‌رو کرده است. معیار انتخاب همسر، نحوه‌ی شناخت همسر، توقعات زن و شوهر جوان از یکدیگر و موارد مشابه، تحت تأثیر دگرگونی‌های فرهنگی جامعه، جوانان را در شرایط دشوار و متفاوتی نسبت به گذشته قرار داده است. رودرود شدن دونفر و باز شدن باب آشنایی به شیوه‌ها و طرق مختلف روی می‌دهد، یکی از این راهها از طریق اینترنت است.

امروزه با حضور اینترنت در جامعه، برای برخی جوانان پاییش گذاشتن برای آشنایی تا حدودی بر عهده‌ی سایت‌های همسریابی گذاشته شده است.

هر چند همسریابی اینترنتی در کشور ماعمر کوتاه و نوپایی دارد، اما سایت‌های خارجی مشابه سال‌هاست روی اینترنت فعالیت و تبلیغ دارند. ظهور چنین سایت‌های در کشور نشان دهنده گسترش راه‌های نفوذ اینترنت در حوزه‌ها غیر



تخصصی و اجتماعی است. امروزه سایت‌های همسریابی اینترنتی به زبان فارسی محدود نیستند و هم‌اکنون چندین سایت در این زمینه فعالیت دارند. این سایت‌ها روز ب روز گسترش می‌یابند و با تبلیغات گوناگون همواره توجه هر بیننده‌ای را به سوی خود جلب می‌کنند. کسانی که تمایل دارند به کمک اینترنت همسریابی کنند با مراجعه به سایت‌ها، نام و نشان خود را در فرم‌های ویژه‌ای وارد می‌کنند و سپس به پرسش‌هایی از ویژگی‌های شخصیتی و خصوصیات مدنظرشان درباره شریک زندگی خود پاسخ می‌دهند و حتی می‌توانند عکس خود را نیز کنار آگهی قرار دهند.

در سایت‌های همسریابی اسلامی علاوه بر این گونه اطلاعات، از افراد درباره مسائلی چون غذایی که به آن علاقه مندند و میزان تعهد و پایبندی آن‌ها به رعایت موائزین دینی و... پرسش‌هایی مطرح می‌شود. در صورتی که زن و مرد در این مرحله هم‌دیگر را پسندند بار دو بدل کردن ایمیل و شماره تلفن به ارتباط خود ادامه می‌دهند و پس از چندی معمولاً پیشنهاد ازدواج را مطرح می‌سازند. البته گاهی نیز این زنان هستند که برخلاف سنت غالب در جوامع اسلامی، پیشنهاد ازدواج می‌دهند.

در زمینه آشنایی اینترنتی در صورتی که رابطه به مفسدہ‌ای متنه‌ی

نشود اشکالی ندارد، ولی با توجه به حساسیت مسئله‌ی همسرگزینی و شرایط فراوانی که احراز آن‌ها لازم است، انتخاب همسر مناسب از این طریق مشکل به نظر می‌رسد؛ مگر این‌که در مراحل بعدی تحقیقات مفصلی صورت گیرد.

همچنین از آنجا که این روش بسیاری از واقعیت‌هارا پنهان نگه می‌دارد، اکتفا کردن به این روش ممکن است هرگز به واقعیت ختم نشود.

از آنجا که ازدواج نقطه‌ی عطف زندگی است و خوبی و بدیختی انسان تا حدود زیادی بستگی به موفقیت یا شکست در این امر مهم و حیاتی دارد بهتر است در انتخاب همسر و شریک زندگی دقت زیادی کرد و تازمانی که از شایستگی و لیاقت فرد اطمینان حاصل نشده است، اقدامی صورت نگیرد و حتی وعده و



قول وقراری بیان نشود؛ بنابراین ضروری است از دیگر روش‌ها نیز کمک گرفته شود و با مراجعه مستقیم و حضوری به خانواده‌ی طرف مقابل و اطلاع از سطح فرهنگی اجتماعی، دینی و اخلاقی او و خانواده‌اش، اطمینان بیشتری حاصل شود و نیز با شناسایی دوستان نزدیک به دست آوردن اطلاع از همکاران و محل کار او، میزان آشنایی بیشتر شود.

نکته مهم در این رابطه آن است که وقتی از طریق چت ارتباط برقرار می‌گردد، به تدریج زمینه‌ی علاقه به یکدیگر فراهم می‌شود که چه بسابه وابستگی نیز بیانجامد. در صورتی که خواسته شود اطلاعات داده شده را در جلسه‌ی حضوری بررسی کرده و تصمیم‌گیری شود، باید توجه داشت که تصمیم‌گیری تحت تأثیر همان عشق و علاقه قبلی قرار نگیرد و واقعیت‌هارا آن گونه که هست دید.

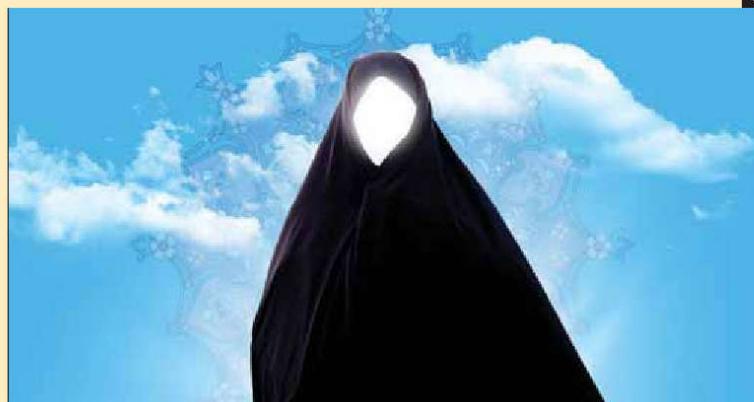




بدحجاب بی دین نیست ولی...

بعضی‌ها می‌گویند آدم‌هایی را می‌شناسند که بدهجاب هستند ولی بی‌دین نیستند. شما چه فکری می‌کنید؟ به نظر شما کسانی که یکی از اساسی‌ترین اصول و احکام اسلامی را رعایت نمی‌کنند و خود را آنقدر بالاتر از خدا می‌دانند که احکام و دستورات او را طبق سلیقه خود انتخاب می‌کنند، به آنها یعنی که دوست دارند عمل می‌کنند و آنها یعنی را که دوست ندارند نادیده می‌گیرند، می‌توانند انسانهای دینداری باشند؟

این افراد خود را برتر از احکام دین می‌دانند و همانطور که یکی از آیات قرآن کریم می‌گوید: «نؤمن بعض و نکفر بعض» به بعضی از احکام عمل می‌کنند و برخی دیگر را منکر می‌شوند.



فراموش نکنید انجام ندادن برخی از کارهای امثال نخواندن نمازو و روزه‌نگرفتن، اثرات منفی فردی دارد ولی نادیده گرفتن حجاب آثار منفی اجتماعی دارد و در سیستم کردن بنیان خانواده‌ها مؤثر است. برای مثال کسانی که نماز نمی‌خوانند تنها به خودشان آسیب می‌رسانند و با نادیده گرفتن دستورات الهی مورد غضب خداوند قرار می‌گیرند. این افراد برای جامعه مشکلی ایجاد نکرده‌اند و نتیجه بدعملشان تنها باعث ضرر رساندن به خودشان می‌شود. اما فردی را در نظر بگیرید که به حجاب خود اهمیت نمی‌دهد، ممکن است ظاهر نامناسب او عامل لغزش و ایجاد گناه در میان دیگر افراد جامعه گردد و به دیگران هم آسیب برساند.



اسلام و مد گرایی

حتما می دانید که توجه به زیبایی و آراستگی ظاهر یکی از خصوصیات بارز دین اسلام است، امام علی علیه السلام آراستگی را یکی از ویژگی های خاص مؤمن می نامید. شما هم زمانیکه لباس جدید بر تن می کنید، عطر جدید استفاده می کنید و رنگ های شاد می پوشید حال و هوایتان عوض می شود؟

انسان ها به صورت ذاتی زیبا پسند هستند، زولیدگی و آشفتگی ظاهری با خواسته های فطری و روحی آدم ها در تعارض است و باعث ایجاد افسردگی و عدم تعادل روحی - روانی در فرد بی توجه به ظاهر خود می شود. به همین دلیل اسلام و ائمه اعلیّه به زیبایی و نظافت و آراسته پوشی توجه زیادی نشان داده اند و بر استفاده از لباس تمیز و آراسته، شانه کردن موی سر، نظافت بدن و خوشبو کردن بدن و لباس ها تأکید داشته اند.

با این حال درست است که اسلام پیروان خود را به سمت خودآرایی دعوت می کند اما این توصیه تنها شامل ظاهر افراد نمی شود. از دیدگاه اسلام زیبا شدن به وسیله صفات نیکوی اخلاقی و پرورش معنویات از مراحل اصلی رسیدن به زیبایی



است. امام علی علیه السلام می‌فرماید زینت درونی از زینت ظاهری مهم‌تر است.

در حقیقت اسلام با پرورش معنویات و زینت‌بخشیدن روح پیروانش، اعتدال در اخلاق را به آنها آموزش می‌دهد و بعد از آنکه اطمینان پیدا کرد آنها دچار سطحی نگری و اشتباہ نمی‌شوند از آنها می‌خواهد تابه زیبایی‌های ظاهری خود بی‌توجه نباشند. اسلام برای جلوگیری از افراط و تفریط در آرایش ظاهری چارچوب و حدود خاصی را برای پیروانش در نظر گرفته است به عنوان مثال از آنها می‌خواهد تا وسایل خودآرایی و یا مکان‌های که آراسته کرده‌اند حلال باشند و از راه مشروع تهیه شوند، آرایش آنها باعث اسراف سرمایه و استعداد نباشد، عامل تجمل پرستی و فخر فروشی نشوند، زمینه تحریک هواهای نفسانی دیگران را فراهم نکنند و به معنای تقلید کورکورانه از دیگران نباشد. در حقیقت اسلام با این شرایط شیوه معقولی از خودآرایی را برای پیروان خود فراهم کرده است تا زیبایی‌سند بودن تبدیل به مذذگی نشود.

منبع کتاب پر بنیان



۳۴

تصویر منفی

شما از چهره خودتان راضی هستید؟ دوستانتان چطور؟ بعضی از دخترهای جوان چهره خودشان را دوست ندارند و دائم جلوی آینه می‌ایستند و فکر می‌کنند اگر شکل دیگری بودند حتماً جذاب‌تر به نظر می‌رسیدند، مثلاً اگر بینی کوچکتری داشتند یا گونه‌های برجسته‌تر، زیباتر می‌شدند.

این دخترها تمام خوشبختی و آینده خود را در شکل صورتشان می‌بینند و گاهی آنقدر در این کار زیاده‌روی می‌کنند که دچار بیماری‌های روانی می‌شوند و مثلاً یک میلیمتر کوتاه بودن مژه برایشان تبدیل به مشکلی بزرگ خواهد شد.

استاد شهید مرتضی مطهری^۱ معتقد است^۱ روح انسان‌ها فوق العاده تحریک‌پذیر است و آدم‌های ظاهر پرست، هیچ وقت به چیزی که دارند راضی نمی‌شوند و همیشه به دنبال بهتر بودن و تغییر و تحول هستند. همین خواسته‌های زیاد انسانی باعث می‌شود تا آنها هرگز احساس خوشبختی نکنند و به آرزوهای خود نرسند و از دست رفتن آرزوهایشان باعث ایجاد بیماری‌های روحی و روانی در آنها شود.

^۱. مستله حجاب، ص ۸۰

می خواهم فرشته باشم

بانوک امت
۳۵

شرایط زندگی اش رو به راه نبود. خانواده خوبی نداشت؛ به او توجه نمی کردند و برایشان مهم نبود چه می کند و چه نمی کند؟ بی مهری های پدر از یادش نمی رفت... اما اگر پسری به او توجه یا ابراز علاقه می کرده اصلاً توجهی نمی کرد.
واقعاً برایم عجیب بود؛ چگونه می توانست با این شرایط، این قدر عزت نفس داشته باشد. یک بار از او پرسیدم: «چگونه ابراز محبت و توجه پسران برایت مهم نیست؟»

گفت: یک روز خانم نبوی مشاور مدرسه، سخنی از حضرت علی علیه السلام نقل می کرد:
«پاداش شهید در راه خدا بزرگتر از پاداش پاکدامنی نیست که قدرت بر گناه دارد و آلوهه نمی گردد. انسان پاکدامن، فرشته‌ای از فرشته‌های است.»^۱
پس چرا من فرشته نباشم؟

منبع: می خواهم فرشته باشم؛
 مؤسسه خدمات مشاوره‌ای جوانان آستان قدس رضوی

۱. نهج البلاغه، حکمت ۴۷۶



معیارهای انتخاب دوست

فرزندم! نخست دوست را بروزگزین، آن گاه سفر کن.

امام علی علیهم السلام

دوستی سرمایه‌گذاری انسان است و دوستان سرمایه‌های ثابت در معامله زندگی. کدام تاجر زیرک کالاهای سرمایه‌ای خود را بی معیار بر می‌گزیند؟ ما از محیط و اطراف ایمان خود به تدریج اثر می‌پذیریم، بنابراین باید انتخاب‌مان براساس معیارهای محکم باشد تا شالوده‌ی شخصیتی مارابه خوبی پی‌ریزی کند. چه درست است این سخن که انسان بر دین و آیین دوست خویش است.

خدایی بودن

دوستان خدایی دوستی شان پایدارتر است. هر دوستی که رنگ خدایی نداشته باشد، راه به جایی نمی‌برد و نمی‌توان برآن تکیه کرد.

امام علی علیهم السلام

اساسی‌ترین عنصر در انتخاب دوست خدایی بودن آن است. هر شیوه‌ینی بدون خدائلخکامی ماندگار است و هر سختی با خدا کامروایی است. دوستی برای خدا صادقانه است نه طمع کارانه. دوستی خدایی ارزش مدار است نه ظاهر گرا. دوست برای خدا به امتداد آخرت پایدار است و محدود به چند روز کوتاه دنیوی نخواهد بود.

خردمندی

جز بآخر دمند پرهیز کاره منشینی مکن و رازت راجز یا مؤمن و فادر مگو.

امام علی علیله السلام

دومین معیار انتخاب دوست خردمندی و فرزانگی اوست.

در زندگی روزمره با مسائل و حوادث گوناگونی روبه رویم و همراهی یک دوست خردمند را حل مناسبی برای مساله ماست. دوستان خوب، باهوش و اندیشه خود و با تکیه بر تجارب مفیدشان بی منت و صمیمانه یاریگر ما در چنین لحظاتی اند.

صمیمیت

بر توباد به دوستی برادران صمیمی؛ زیرا آنان در وقت نعمت مایه هی

زینت و در گاه سختی و مصیبت موجب حفظ آدمی اند.

امام علی علیله السلام

سومین معیار، صمیمیت و یکرنگی است. بسیاری هستند

که دم از صمیمیت می زند اما پای عمل که به میان می آید

انسان را تنها می گذارند. اینان فقط دوستان لحظه های

کامروایی و شیرینی اند. دوستی با برخورد از موضع مساوی

آغاز می شود. هر گونه خودمحوری تابع بودن صرف، دوستی

راتبا می سازد.

بزرگواری

خوبشخت ترین مردم کسی است که با مردم بلندنظر و بزرگوار معاشرت کند.

پیامبر اکرم ﷺ

چهارمین معیار برای انتخاب دوست بزرگواری است. برخی، افراد بزرگی هستند اما برخی دیگر بزرگوارند. بزرگی محصول توانایی جسمی و اندیشه‌ای است اما بزرگواری نتیجه‌ی توسعه روح و شخصیت.

انسان بزرگوار امیدوار است، خوبی دیگران را می‌بیند و خدماتش بی‌منت است. او زینت و مایه‌ی آبروی ماست، بر بدی‌های دیگران صبور است، بلندنظر و بانشاط و خیرخواه دیگران است.



دوستی‌های ممنوع

دوستی یک فرصت طلایی است که هم می‌تواند سرمایه‌ساز باشد و هم سرمایه‌سوز. در جامعه کسانی را می‌توانیم ببینیم که تأثیر مخربی بر دیگران دارند. برخی بیماری‌های اخلاقی شایع که با دوستی گروهی گسترش می‌یابند عبارتند از: دروغ‌گویی، فریبکاری، تقلب، خشم، پرخاشگری، حسادت، بخل، تعصّب، ترس و اضطراب.



همنشین شایسته و بد مانند دارنده مشک و دمنده دم آهنگری است. دارنده مشک یا آن رابه تومی دهد، یا آن را زوی می خری و یا از بُوی خوش بُرهمند می گردی. اما دمنده دم آهنگری یا جامه ات رامی سوزاند یا از بُوی گندش اذیت می شوی.

امام صادق علیه السلام

در تعالیم دینی ما دوستی با چهار نفر ممنوع شده است: دوستی با فرد احمق، بخیل، بدکار و دروغگو. امام علی علیه السلام به فرزندش امام مجتبی علیه السلام فرمود: از دوستی با احمق پرهیز کن؛ زیرا او می خواهد به تو سود رساند اما به تو ضرر می رساند. از دوستی با بخیل دوری کن زیرا او آنچه را که از هر چیز دیگر به آن محتاج تری از تو دور می کند. از دوستی با بدکار پرهیز چه این که او تورا در برایراندک چیزی به آسانی می فروشد و از دوستی با دروغگو هم بر حذر باش، زیرا او مانند سراب است، دور را نزدیک و نزدیک را دور نشانت می دهد.

منبع: کتاب آینه هام باش:

مؤسسه خدمات مشاوره ای جوانان استان قدس رضوی

عشق کور کورانه

هر روز به او می گفتم: این کارها عاقبت ندارد. تجربه های بد دوستان
دیگر م را برایش مثال زدم، فایده ای نداشت؛ نمی خواست به خودش
بیاید، هر روز با او قرار می گذاشت و با هم بیرون می رفند.
گفته های من اصلا روی او تأثیر نداشت... چشمانش کور شده بود و
نمی توانست واقعیت را بیند، گوشها یش کر شده بود و نمی خواست
حقایق را بشنود... از آن روزها، سالها می گذرد و من امروز بعد از سالها
دوباره دیدمش، از ازدواج ناموفقش برایم گفت، از پشیمانی هایش
و... به یاد سخن حضرت علی علیه السلام افتادم:
«اگر کسی کور کورانه عشق ورزد، دیده بصیرتش کور می گردد و پند
هیچ پنددهنده ای را نمی شنود.»





آهنگ نجابت

وقتی چشمهاست را به روی حرام‌های خدا می‌بندی، خدا
ستاره‌هایش را در چشمهاست روشن می‌کند.

وقتی دستهاست راندز نیکویی‌ها می‌کنی، شکوفه‌های تبسیم و
رضایت در دستان مهربانست می‌شکند.

وقتی از جاده‌های تلخ و تاریک گناه حذر می‌کنی و به
کوچه‌باغهای خواب و مناجات او قدم می‌گذاری، اجابت
است که از رد گام‌هاست می‌روید. وقتی مروارید زیبایی‌هاست
را به صدف حیا و عفاف می‌سپاری، خدا دریا دریا تو را آبی



۴۲

می کند. آنقدر آبی که آسمان به تو رشک می برد. می دانی! آینه نگاهت همیشه شفاف و زلال است و دستهایت همیشه پاک و منزه.

وقتی با آهنگ نجابت و وقار پنجره دلت رابه سمت زندگی امروز می گشایی، پروانه های صداقت و راستی روی گل های نجیب زندگی ات می نشینند. آنوقت عطر سربه زیر آیه های احساسات، کوچه های امروز را سرشار می کند.

تو خوب می دانی آراستن و آراستگی مثل شکوفه های دامن بهار، مثل رنگین کمان و مثل شمع دانی های روی برف، چشم را به تماشا دعوت می کند و خوب تر می دانی که شبیم اگر روی لطافت گل بنشیند، چه تصویر بدیعی خلق می کند و چه چشم ها را مسحور خویش. و شاید این است که عمر گل به چشم بر هم زدنی می ماند.